

بررسی عبارت «الصلاة معراج المؤمن» در منابع متقدم و متأخر فریقین و اعتبارسنجی آن با بررسی منقولات هم‌مضمون*

- سیدمرتضی حسینی شیرگ^۱ ✉
□ محمدرضا اکملی^۲

چکیده

علاوه بر آیات قرآن کریم، روایات فراوانی در اهمیت و فضیلت نماز در کتب متقدم و متأخر فریقین نقل شده است. یکی از سخنان مشهور درباره نماز، حدیث «الصلاة معراج المؤمن» است که در برخی کتب به پیامبر ﷺ نسبت داده شده است. جستار پیش رو که به شیوه تحلیل محتوا و بر پایه منابع کتابخانه‌ای تدوین یافته است، نگاهی به منبع‌یابی و اعتبار جمله فوق دارد. در کتب متقدم شیعه و سنی، اثری از سخنی به این پایه مشهور و پرآوازه نیست و ذکر آن در کتب متأخر نیز بدون سند و منبع و تنها منتسب به پیامبر ﷺ می‌باشد. البته با بررسی منقولات هم‌مضمون، فضیلت «قربان بودن نماز» به معنای نزدیک کننده به خدا اثبات می‌شود و حدیث «الصلاة قربان كل تقی» به عنوان

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱.

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد؛ مربی دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی
(نویسنده مسئول) (mortezah.hoseini@yahoo.com).

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث (akmalimm1355@gmail.com).

حدیث مسند و متصل، در منابع فریقین نقل شده و تنها حدیثی است که در این منقولات حدیثی، قابلیت استناد دارد. ولی فضیلت «معراج بودن نماز» در احادیث قابل اثبات نیست و تنها جمله‌ای از علمای متأخر می‌باشد. نقش نقل به معنا در به وجود آمدن جمله «الصلاة معراج المؤمن» و دیگر جملات هم‌خانواده پررنگ است.

واژگان کلیدی: نماز، معراج، مؤمن، نقل به معنا.

بیان مسئله

احادیث فراوانی در فضیلت اعمال در کتب حدیثی و تفسیری به چشم می‌خورد. درباره فضیلت نماز نیز احادیث فراوانی نقل شده و برخی از این احادیث مسیرهای شهرت را درنور دیده‌اند و به چشم و گوش مسلمانان بسیار آشنا هستند. ولی «رُبَّ مشهور لا أصل له» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۶/۵۳)؛ ای بسا موضوع پرآوازه‌ای که هیچ اصل و ریشه‌ای ندارد. در این نوشتار به بررسی یکی از این سخنان آشنا پرداخته‌ایم. به جرئت می‌توان گفت که فراز «الصلاة معراج المؤمن» که در دیوار مساجد و مدارس و مراکز فرهنگی و همچنین رسانه‌های مکتوب را مزین کرده است، یکی از نامورترین سخنانی است که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره نماز از زبان و قلم بسیاری گزارش شده است و به قدری پربسامد است که شاید هیچ کس گمان نبرد که این سخن از کلمات رسول الله صلی الله علیه و آله نباشد. سؤال اصلی این پژوهش، آن است که آیا می‌توان با بررسی منابع متقدم و متأخر شیعه و اهل سنت، استناد این سخن به رسول الله صلی الله علیه و آله را اثبات کرد؟

سؤالات فرعی تحقیق نیز عبارت‌اند از:

- در منابع متقدم و متأخر شیعه، چه منقولات حدیثی درباره عبارت «الصلاة معراج المؤمن» می‌توان یافت؟
- در میان احادیث هم‌مضمون با عبارت «الصلاة معراج المؤمن»، آیا حدیثی مسند و متصل به رسول الله صلی الله علیه و آله یا ائمه اطهار علیهم السلام یافت می‌شود؟
- آیا می‌توان معنا و مفهوم «معراج بودن» نماز را با توجه به احادیث هم‌مضمون اثبات کرد؟
- چه عواملی در شکل‌گیری و اشتها حدیث «الصلاة معراج المؤمن» دخیل بوده‌اند؟

بررسی پیشینه تحقیقات انجام شده در مورد این حدیث نشان می‌دهد که تنها مقاله «واکاوی سندی و محتوایی «الصلوة معراج المؤمن»» (زارع‌پور، ۱۳۹۹) درباره این موضوع سامان یافته است. نویسنده در مقاله مزبور به این نتیجه رسیده که برای عبارت «الصلوة معراج المؤمن» سندی در منابع ذکر نشده است و تمامی نقل‌ها مرسل می‌باشد؛ ولی در عین حال آن را می‌پذیرد و دلیل آن را نیز اسناد علامه مجلسی به پیامبر ﷺ و محتوای قابل قبول حدیث ذکر می‌کند. آنچه نوشته پیش رو را از تنها پیشینه آن متمایز می‌سازد، نخست روش بحث و بررسی عبارت مدنظر می‌باشد که با تکیه بر عبارت هم‌مضمون صورت می‌گیرد و دوم بررسی محتوایی عبارت با توجه به دیگر نقل‌ها. نتایج به‌دست‌آمده این نوشتار نیز با پیشینه گفته‌شده متفاوت است و نشان داده خواهد شد که این عبارت نه تنها از سند صحیحی برخوردار نیست، بلکه مضمون و محتوای آن نیز جای تأمل دارد. نگارندگان برای پاسخ به سؤالات پژوهش، نخست به بررسی عبارت مورد بحث در منابع متقدم و متأخر پرداخته و در ادامه نیز با ذکر منقولات حدیثی با محوریت «معراج بودن نماز»، به بررسی این منقولات هم‌مضمون اقدام کرده‌اند.

۱. ردیابی حدیث «الصلوة معراج المؤمن» در کتب متقدمان

همت و تلاش متقدمان فریقین در ضبط و نگارش احادیث باعث حفظ احادیث از گزند فراموشی، تحریف و تصحیف شده است. ثمره آن همت والا را هم‌اکنون در جوامع حدیثی متقدم شیعه و اهل سنت می‌توان دید. با تتبع نگارندگان،^۱ اثری از این جمله مشهور در کتب متقدم شیعه و سنی یافت نشد؛ نه به‌عنوان حدیثی منتسب به پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام و نه حتی در قالب عبارتی منقول از شخصی غیر معصوم یا یکی از علما.

افزون بر اینکه کلمه «معراج» در عبارت فوق نیز در کتب متقدمان بسیار کم کاربرد بود و به‌جز یک مورد در کتاب *اصول کافی* - که کلینی در ضمن جمله‌ای از موضع قبر امام حسین (علیه‌السلام) به‌عنوان «معراج» اعمال بندگان یاد می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۸۸/۴) -، اثری

۱. این تتبع به‌صورت جستجوی اینترنتی و رایانه‌ای در نرم‌افزارهای حدیثی جامع‌التفاسیر نور، جامع‌الاحادیث نور و المکتبه الشامله انجام شده است.

از آن یافت نشد. حدیث فوق به معصوم علیه السلام انتساب داده نشده است؛ بلکه از اصحاب ائمه علیهم السلام نقل شده است.

۲. ردیابی جمله در کتب متأخران

در کتب متأخران، این جمله به چشم می‌خورد. برخورد متأخران با جمله فوق به پنج گونه است: برخی جمله را به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله یا یکی از ائمه علیهم السلام بازگو کرده‌اند؛ برخی دیگر بدون انتساب جمله به پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام، آن را به عنوان جمله‌ای در فضیلت نماز نقل کرده‌اند؛ عده‌ای نیز برخوردی دوگانه با جمله فوق داشته‌اند (در مواردی جمله را به پیامبر صلی الله علیه و آله منتسب کرده و در مواردی دیگر بدون انتساب جمله به شخصی، آن را نقل کرده‌اند)، و گروهی نیز با صیغه مجهول و بدون مشخص کردن منبع یا مصدر جمله، آن را نقل کرده‌اند. در ادامه به برخوردهای متفاوت با این جمله اشاره می‌کنیم.

۱-۲. نقل جمله با انتساب به پیامبر صلی الله علیه و آله

با تتبع نگارندگان به نظر می‌رسد اولین کسی که این جمله را در کتابش به کار برده و به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده است، صاحب کشف الاسرار (د. ۵۳۰ ق.) باشد. البته این نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله بدون ذکر سلسله سند و حتی منبع جمله می‌باشد که از نظر معیارهای حدیثی اعتباری ندارد. رشیدالدین میبدی می‌نویسد:

«و از شرف نماز است که رب العالمین صد و دو جایگاه در قرآن ذکر آن کرده، و آن را سیزده نام نهاده: صلاة و قنوت و قرآن و تسبیح و کتاب و ذکر و رکوع و سجود و حمد و استغفار و تکبیر و حسنات و باقیات، و مصطفی گفته: «الصلاة معراج المؤمن» و گفته: «الصلاة مأذبة الله فی الأرض» و علماء سلف گفته‌اند: «الصلاة عرس المریدین و نزهة العارفين و وسیلة المذنبین و یستان الزاهدین» (میبدی، ۱۳۷۱: ۶۷۶/۲).

احتمال وجود جمله فوق در کتب قبل از میبدی که به دست ما نرسیده‌اند، وجود دارد؛ ولی از کتب موجود، اولین منبع ذکر جمله فوق، تفسیر کشف الاسرار میبدی می‌باشد.

بعد از میبدی، فخر رازی (د. ۶۰۶ ق.) نیز در *التفسیر الکبیر* این جمله را به پیامبر ﷺ نسبت داده است؛ ولی سلسله حدیث و یا منبعی برای آن ذکر نکرده است:

«فَهَذِهِ الْمَرَاتِبُ السَّبْعُ الْمَذْكُورَةُ فِي آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، ذَكَرَهَا مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فِي عَالَمِ الرُّوحَانِيَّاتِ عِنْدَ صُغُودِهِ إِلَى الْمِعْرَاجِ، فَلَمَّا نَزَلَ مِنَ الْمِعْرَاجِ قَاضٍ أَثَرُ الْمَصْدَرِ عَلَى الْمُظْهَرِ، فَوَقَعَ التَّعْيِيرُ عَنْهَا بِسُورَةِ الْفَاتِحَةِ، فَمَنْ قَرَأَهَا فِي صَلَاتِهِ صَعِدَتْ هَذِهِ الْأَنْوَارُ مِنَ الْمُظْهَرِ إِلَى الْمَصْدَرِ، كَمَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْأَنْوَارُ فِي عَهْدِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ مِنَ الْمَصْدَرِ إِلَى الْمُظْهَرِ، فَلِهَذَا السَّبَبِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۲۶/۱).

در جایی دیگر، فخر رازی زمان بیان این جمله از زبان مبارک رسول الله ﷺ را در شب معراج می داند:

«أَنَّ مُحَمَّدًا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِأَنْ رَفَعَهُ إِلَى قَابِ قَوْسَيْنِ، قَالَ عِنْدَ ذَلِكَ: «التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ» (همان: ۲۳۳/۱).

فخر رازی در این گفته خود، بین جمله «الصلاة معراج المؤمن» و معراج پیامبر ﷺ ارتباط برقرار کرده است که خود می تواند نشان دهنده منشأ پیدایش جمله فوق باشد که در ادامه نوشتار، درباره این مطلب درنگی خواهد شد.

فخر رازی در سطور کتاب پر حجم خود، به یکی از جملات هم خانواده با جمله «الصلاة معراج المؤمن» نیز اشاره می کند؛ ولی این جمله را به پیامبر ﷺ نسبت نمی دهد و می گوید: «الصلاة معراج العارفين» (همان). بعد از بیان این جمله، توضیحاتی در باب معراج العارفین بودن نماز ذکر می کند.

صاحب *تفسیر المحيط الاعظم و البحر المختصم* (د. ۷۸۷ ق.) نیز این حدیث را به پیامبر ﷺ نسبت می دهد و منبع خود را *بحار الانوار* علامه مجلسی ذکر می کند (آملی، ۱۴۲۲: ۲۰۷/۶).

در ترجمه *مصباح الشریعه* نیز این نسبت به پیامبر ﷺ داده شده است (منسوب به جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، ۱۳۶۰: ۵۴).

صاحب *تفسیر الفوائد الالهية و المفاتيح الغيبية* (معاصر) نیز این جمله را به پیامبر ﷺ نسبت می دهد؛ البته بدون ذکر منبع و سلسله سند (شیخ علوان، ۱۹۹۹: ۱۹/۱).

در تفسیر فاتحه الكتاب نیز این حدیث به پیامبر ﷺ نسبت داده شده است: البته به مانند بسیاری از کتب تفسیری گذشته، سلسله حدیث و یا منبع حدیث ذکر نشده است (امینی نجفی، ۱۳۹۵: ۶۰).

صاحب تفسیر ام الكتاب (د. ۱۴۱۳ ق.) نیز این حدیث را به پیامبر ﷺ نسبت می دهد؛ البته بدون ذکر منبع و سلسله سند (میرجهانی طباطبایی، ۱۳۹۸: ۳۲۸).

صاحب تفسیر مواهب الرحمن (د. ۱۳۷۲ ش.) نیز این جمله را ذکر می کند؛ البته بدون ذکر سلسله سند حدیث یا منبع آن (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱/۲۴۵).

وجه اشتراک تمام نقل کنندگان و منتسب کنندگان جمله مورد بحث به رسول الله ﷺ، عدم بیان سلسله سند حدیث و یا منبع متقدم جمله فوق می باشد که این امر خود قرینه مهمی بر تشکیک در انتساب این جمله به وجود مبارک پیامبر ﷺ می باشد.

۲-۲. نقل جمله بدون استناد به پیامبر ﷺ یا یکی از ائمه علیهم السلام

برخورد دوم با جمله مورد بحث، نقل آن بدون استناد به پیامبر ﷺ یا یکی از ائمه علیهم السلام می باشد. جمله «الصلاة معراج المؤمن» در تفسیر صافی بدون حدیث دانستن و یا نسبت دادن آن به پیامبر ﷺ یا ائمه علیهم السلام آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ عَنِ الْمَعَاصِي وَحُطُّوْطِ النَّفْسِ، وَالصَّلَاةِ الَّتِي هِيَ أُمُّ الْعِبَادَاتِ وَمِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِينَ وَمُنَاجَاةُ رَبِّ الْعَالَمِينَ. إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ بِالنَّصْرِ وَاجَابَةِ الدَّعْوَةِ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۰۳/۱).

در این گفتار صاحب تفسیر الصافی (د. ۱۰۹۱ ق.) به جای جمله مشهور «معراج المؤمن» از «معراج المؤمنین» استفاده شده است که نشان دهنده اختلاف در الفاظ این جمله در میان علماست.

صاحب منهاج البراهنه (د. ۱۳۲۴ ق.) نیز در چند جا از کتابش، این جمله را ذکر می کند، ولی به پیامبر ﷺ نسبت نمی دهد؛ بلکه فقط به عنوان یک جمله در توصیف نماز از آن یاد می کند:

«أَقُولُ: وَمَرَّ ذَلِكَ أَنَّ الصَّلَاةَ فِي الْحَقِيقَةِ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ وَمُنَاجَاةُ الرَّبِّ الْمَعْبُودِ...» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۴۰۳/۷).

در تفسیر مقتنیات الدرر (د. ۱۳۴۰ ق.) نیز این جمله بدون انتساب به کتاب یا

شخصی ذکر شده است:

«وَفِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحْهُ﴾، إِشَارَةٌ إِلَى أَنَّهُ أَشَقُّ عَلَى النَّفْسِ وَأَثْوَبُ وَأَبْعَدُ عَنِ الرَّيَاءِ كَمَا يُلَوِّحُ بِهِ تَقْدِيمُهُ عَلَى الْفِعْلِ، وَاللَّيْلُ زَمَانُ الْمِعْرَاجِ، وَالصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ، فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَأَسَّى فِي الْجُمْلَةِ بِرَسُولِ اللَّهِ فَلْيَصِلْ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ وَلَشَرَفِ ذَلِكَ الْوَقْتِ كَانَ مِعْرَاجُهُ ﷺ فِيهِ لِأَقْرَبِ الصَّبَاحِ لِأَنَّ فِي قُرْبِهِ قَدْ يَسْتَقِطُ بَعْضُ النَّفْسِ لِلْحَاجَاتِ وَفِي خَتْمِ هَذِهِ السُّورَةِ بِالنُّجُومِ وَافْتِتَاحِ الْآيَةِ بِالنُّجْمِ أَيْضًا مِنْ حُسْنِ الْإِنْتِهَاءِ وَ الْإِتِّدَاءِ تَمَّتْ بِعَوْنِ اللَّهِ» (حائری طهرانی، ۱۳۳۸: ۲۵۵/۱۰).

صاحب تفسیر سوره حمد (د. ۱۳۶۸ ش.) نیز این جمله را ذکر کرده است؛ ولی آن

را به پیامبر ﷺ یا شخص دیگری نسبت نمی دهد:

«و عارج به معراج "الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ" (موسوی خمینی، ۱۳۷۵: ۲۶۴).

صاحب تفسیر الاثری الجامع (د. ۱۳۸۵ ش.) از نماز به عنوان وسیله اتصال به

ملکوت اعلی یاد می کند و نماز را «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ» می داند؛ البته ایشان این

جمله را به پیامبر ﷺ یا سایر ائمه علیهم السلام نسبت نمی دهد (معرفت، ۱۳۸۷: ۳۸۶/۴؛ ۴۰۵/۵).

صاحب من هدی القرآن (معاصر) نیز این جمله را ذکر می کند؛ البته بدون نسبت دادن

آن به پیامبر ﷺ یا ائمه علیهم السلام:

«الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ، وَلَكِنَّ تَتَبَعَهُ وَنَخَضَعَ لَهُ وَتُسَلِّمُ، فَعَلَيْنَا أَنْ نُقِيمَ الصَّلَاةَ نُصَلِّيَهَا بِخُضُوعٍ وَخُشُوعٍ...» (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۰۷/۳).

در تمامی مواردی که از نظر گذشت، هیچ یک از علما جمله مورد بحث را به

پیامبر ﷺ یا یکی از ائمه علیهم السلام منسوب نکرده اند؛ بلکه آن را تنها به عنوان جمله ای

مشهور درباره نماز نقل کرده اند.

۳-۲. برخورد دوگانه

گروهی از علما نیز برخوردی دوگانه با جمله فوق داشته اند؛ در سطوری از کتاب یا

کتب خویش، جمله را به پیامبر ﷺ منسوب کرده و در سطوری دیگر، جمله را بدون

این انتساب نقل کرده اند.

علامه مجلسی (د. ۱۱۱۱ ق.) جمله «الصلاة معراج المؤمن» را به پیامبر ﷺ نسبت

می‌دهد: البته منبع حدیث را ذکر نمی‌کند:

«قَالَ الْعَلَمَةُ الْمَجْلِسِيُّ فِي كِتَابِ بَيَانِ الْإِعْتِقَادَاتِ: ثُمَّ اَعْلَمَ يَا أَخِي! إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ رُوحًا وَجَسَدًا، وَظَاهِرًا وَبَاطِنًا، فَظَاهِرُهَا وَجَسَدُهَا الْحَرَكَاتُ الْمَخْصُوصَةُ، وَبَاطِنُهَا الْأَسْرَارُ الْمَقْصُودَةُ... وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ...» (نمازی شاه‌رودی، بی‌تا: ۱۰۵/۶).

علامه مجلسی در بحار الانوار بدون ذکر اینکه این جمله حدیث است و بدون

نسبت دادن آن به پیامبر ﷺ یا سایر ائمه علیهم‌السلام می‌گوید:

«... فَإِنَّهُ لَا يَحْفَى عَلَى الْعَارِفِ أَنَّهُ مِنْ حِينَ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ تَعَالَى وَشُرُوعِهِ فِي مَقَدَّمَاتِ الصَّلَاةِ إِلَى أَنْ يَفْرَغَ مِنْهَا، يَفْتَحَ لَهُ مِنْ أَبْوَابِ الْمَعَارِفِ مَا لَا يُحْصِيهِ إِلَّا اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَوْ الْمُرَادُ بِالْحُدُودِ الْمَسَائِلُ، وَبِالْأَبْوَابِ أَبْوَابُ الْفَيْضِ وَالْفَضْلِ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ، انْتَهَى» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۵/۸۱).

ایشان در مرآة العقول نیز بدون ذکر اینکه این جمله حدیث است و بدون نسبت دادن

آن به پیامبر ﷺ یا سایر ائمه علیهم‌السلام می‌گوید:

«وَأَقُولُ: لَمَّا كَانَ الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ وَبِهَا يَتَقَرَّبُ إِلَى حَضْرَةِ الْقُدْسِ...» (همو، ۱۴۰۴: ۳۳۱/۱۲).

صاحب روح البیان (د. ۱۱۳۷ ق.) نیز از کسانی است که در برخورد با این جمله

دوگانگی دارد و در جایی از تفسیرش، این جمله را به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهد:

«... وَلِهَذَا قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ» (حق بروسی، بی‌تا: ۱۷۲/۷).

همچنین در جایی دیگر از کتابش، این جمله را ذکر کرده، ولی به پیامبر ﷺ یا

شخص دیگر نسبت نداده است:

«... وَالْإِشَارَةُ فِي أَقَامَةِ الصَّلَاةِ إِلَى إِدَامَةِ الْعُرُوجِ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ...» (همان: ۲۱۴/۲).

در ترجمه تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادہ نیز این حدیث به پیامبر ﷺ نسبت

داده شده است:

صاحب تفسیر الفرقان (د. ۱۳۹۰ ش.) این جمله را روایت شده از پیامبر ﷺ می‌داند که صاحب معراج‌های زیادی بود. البته استفاده از لفظ «یُرَوی» نشان‌دهنده این است

که نویسنده نتوانسته منبع یا منبع موثق از حدیث بیابد؛ بلکه آن را به دلیل شهرت ذکر می‌کند. او می‌گوید:

«يُرَوَّى عَنْ صَاحِبِ الْمِعْرَاجِ قَوْلُهُ: «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ» (صادق تهرانى، ۱۴۰۶: ۵۶/۱۹).

وى در جایی دیگر، این جمله را ذکر کرده، ولی به پیامبر ﷺ یا شخص دیگر نسبت نمی‌دهد:

«وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى»: فِيمَا أَنَّ الصَّلَاةَ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ وَلِقَاءُ اللَّهِ... (همان: ۲۹۱/۳۰).

۴-۲. نقل جمله با صیغه مجهول

گروهی از علما، جمله فوق را با لفظ مجهول آورده‌اند تا نشان‌دهنده عدم وجود منبع و انتسابی موثق به رسول الله ﷺ یا سایر ائمه علیهم السلام باشد.

صاحب روح المعانی (د. ۱۲۷۰ ق.) از این جمله با تعبیر «قد ذكروا» یاد می‌کند و آن را به شخص پیامبر ﷺ نسبت نمی‌دهد:

«قَدْ ذَكَّرُوا أَنَّ الصَّلَاةَ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ» (حسینی آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۶۱/۶).

تعبیر «قد ذكروا» از سوی آلوسی نشان‌دهنده این است که او این جمله را حدیث نمی‌داند یا اینکه حدیث بودن این جمله در نزد او ثابت نشده است؛ به همین دلیل از این تعبیر استفاده می‌کند.

صاحب طیب البیان (د. ۱۳۷۰ ش.) این جمله را حدیث می‌داند؛ ولی مصدر و منبع آن را ذکر نمی‌کند و این حدیث را در کنار سایر احادیث مربوط به نماز ذکر می‌کند:

«حدیث معتبر (الصلاة عمود الدين) اگر عمود نباشد، دین از بین می‌رود. (الصلاة خير موضوع إن قبلت قبل ما سواها وإن ردّت ردّت ما سواها). (عنوان صحيفة المؤمن الصلاة). (الصلاة معراج المؤمن). (أول ما يحاسب به العبد يوم القيامة الصلاة)» (طیب، ۱۳۷۸: ۳۰۶/۱۳).

۵-۲. انتساب جمله به علما

صاحب الصلاة في الكتاب و السنة (د. ۱۴۰۱ ش.) بیان می‌دارد که عبارت «الصلاة معراج المؤمن» مربوط به علمای متأخر است:

«لَا يَحْفَى أَنْ عِبَارَةَ «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ» مَعَ كَثْرَةِ تَدَاوُلِهَا عَلَى الْأَلْسُنِ بِحَيْثُ صَارَتْ مِنْ أَشْهَرِ الْكَلِمَاتِ فِي وَصْفِ الصَّلَاةِ... عِبَارَاتُ عُلَمَائِنَا الْمُتَأَخِّرِينَ رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِمْ» (محمّدی ری شهری، بی تا: ۶/۲).

۳. بررسی منقولات هم‌مضمون با جمله «الصلاة معراج المؤمن»

در ادامه بحث به بررسی منقولات هم‌مضمون با جمله فوق می‌پردازیم تا مفهوم بهتری را از جمله فوق دریابیم و احادیث نقل به معنای خود را از احادیث لفظی اصلی بازشناسیم و همچنین اثبات کنیم که کدام نقل، منتسب به رسول ﷺ یا ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد و کدام یک از این انتساب ممنوع بوده و به علما تعلق دارد و حدیث نیست. بر اساس یافته‌های نگارندگان بر محور این موضوع اصلی، می‌توان پنج نقل هم‌مضمون شناسایی کرد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱-۳. «الصلاة قربان كل تقى»

به دلیل فراوانی احادیث در این ذیل، احادیث موجود را در دو دسته منابع اهل سنت و منابع شیعه دسته‌بندی کرده‌ایم:

الف) منابع اهل سنت

یکی از احادیث هم‌مضمون با جمله «الصلاة معراج المؤمن»، حدیث پیامبر ﷺ خطاب به کعب بن عجره می‌باشد که در منابع متقدم اهل سنت آمده است و پیامبر ﷺ نماز را «قربان» می‌نامد. احمد بن حنبل در مسند خود حدیث کعب بن عجره را نقل می‌کند. البته حدیث نقل شده از احمد، خالی از لفظ «مؤمن»، «متقی» یا «متقین» می‌باشد:

«حَدَّثَنَا عَفَّانُ، حَدَّثَنَا وَهَيْبٌ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ حُثَيْمٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَابِطٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: ... يَا كَعْبُ بْنُ عَجْرَةَ! الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ، وَالصَّوْمُ جَنَّةٌ، وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ...» (ابن حنبل، ۱۴۲۱: ۴۲۵/۲۳؛ ابن جبان بستی، ۱۴۰۸: ۹/۵).

در معانی الاخبار کلاباذی (د. ۳۸۵ ق.)، حدیث «الصلاة قربان كل تقى» از امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر ﷺ آمده است:

«... عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ...» (کلاباذی بخاری، ۱۴۲۰: ۱/۱۵۹).

در حدیثی دیگر از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ایشان نماز را «قربان تقی» می‌داند و به بیان معنای تقی می‌پردازد:

«وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: ... فَالصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ، مُطْلَقٌ عَلَى الْإِطْلَاقِ لَا مَحَالَةَ وَعَدًّا مِنْ اللَّهِ صِدْقًا...» (همان).

ب) منابع شیعه

در قدیمی‌ترین منبع شیعه، امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در نهج البلاغه نماز را «قربان کل تقی» می‌داند و می‌فرماید:

«الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ وَالْحُجُّ جِهَادُ كُلِّ ضَعِيفٍ وَلِكُلِّ سَيِّءٍ زَكَاةٌ وَزَكَاةُ الْبَدَنِ [الصَّوْمُ] الصِّيَامُ وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۹۴).

در حدیثی دیگر، امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ تعبیر «الصلاة قربان» را برای نماز به کار می‌برد:

«الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ وَالْحُجُّ جِهَادُ كُلِّ ضَعِيفٍ وَزَكَاةُ الْبَدَنِ الصِّيَامُ وَالِدَّاعِيَ بِلَا عَمَلٍ كَالزَّامِي بِلَا وَتَرٍ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۳/۷۵).

و نیز در حدیثی دیگر، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در گفتگو با ابوحنیفه، جمله «الصلاة قربان» را به کار می‌برد:

«وَقَالَ لَهُ أَبُو حَنِيفَةَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! مَا أَصْبَرَكَ عَلَى الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: وَيَحْكَ يَا نُعْمَانُ! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الصَّلَاةَ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ...» (همان: ۲۰۹/۷۵).

همچنین امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ در حدیثی، نماز را «قربان کل تقی» می‌خواند:

«أَبُو دَاوُدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲۰۵/۴: قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۵۴/۱۰: مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۷/۷۹).

جمله «الصلاة قربان کل تقی» از بیشترین بسامد در کتب متقدم شیعه و سنی برخوردار است و همچنین تنها حدیثی است که دارای سندی متصل به معصوم، اعم از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و امام علیه السلام است.

نکته مهم‌تر اینکه با وجود نقل به معنا در میان صحابه و اصحاب ائمه علیهم السلام، این فراز از حدیث، از این نقل به معنا محفوظ مانده و در منابع فریقین با الفاظ دقیقاً مشابه هم به کار رفته است که خود حکایت از محفوظ ماندن حدیث از گزند روزگار پرفراز و نشیب نقل و نگارش احادیث دارد.

پس می‌توان نتیجه گرفت که در میان منقولات هم‌مضمون، تنها نقلی که سند متصل دارد و همچنین در منابع شیعه و سنی با الفاظی مشابه به کار رفته است، همین حدیث می‌باشد. بنابراین می‌توان به آن تکیه کرد و در مواقع بیان فضایل نماز، از این حدیث بهره برد. هرچند بررسی سند احادیث در جهت اعتبار آن‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است، ولی مجالی وسیع‌تر می‌طلبد.

۲-۳. «الصلاة قربان»

در سخنی، این جمله بدون اینکه به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده شود، از ابوهریره نقل شده است:

«حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عِيْسَى، أَنَا ابْنُ الْمُبَارَكِ، أَنَا ابْنُ لَهَيْعَةَ، قَالَ: حَدَّثَنِي ابْنُ هُبَيْرَةَ، أَنَّ أَبَاهُ رَوَاهُ قَالَ: «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ...» (مروزی، ۱۴۰۶: ۱/۱۸۵ و ۳۸۱).

این عبارت از کثرت نقل در کتب فریقین بی‌بهره است و همچنین به پیامبر صلی الله علیه و آله منتسب نیست.

۳-۳. «الصلاة قربان المتقين»

از دیگر احادیث هم‌مضمون، جمله‌ای منسوب به یکی از صحابه است:

«حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنْ عَبْدِ بْنِ نَابِتٍ قَالَ: كَانَ يُقَالُ: «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ الْمُتَّقِينَ» (جوهری بغدادی، ۱۴۱۰: ۸۶).

در این جمله، به متن متفاوتی از جمله «الصلاة معراج المؤمن» اشاره شده و نماز را «قربان المتقين» بیان کرده است؛ در حالی که در اکثر کتب به‌جای «متقين» از «مَتَّقَى» استفاده شده است.

تکیه بر این نقل ابن جعد مشکل است؛ زیرا همچنان که در سند حدیث مشخص است، این سخن به رسول الله ﷺ نمی‌رسد و از یکی از اصحاب ایشان نقل شده است. از سوی دیگر، عدم کثرت نقل در کتب شیعه و منفرد بودن ابن جعد در این نقل، تکیه بر آن را مشکل کرده است.

۴-۳. «الصلاة معراج المؤمنين»

جمله «الصلاة معراج المؤمن» در تفسیر صافی بدون حدیث دانستن و یا نسبت دادن آن به پیامبر ﷺ یا ائمه علیهم السلام آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ عَنِ الْمَعَاصِي وَحُطُّوْطِ النَّفْسِ، وَالصَّلَاةِ الَّتِي هِيَ أُمُّ الْعِبَادَاتِ وَمِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِينَ وَمُنَاجَاةُ رَبِّ الْعَالَمِينَ. إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ بِالنَّصْرِ وَاجَابَةِ الدَّعْوَةِ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۰۳/۱).

این گفته تفسیر صافی نیز به رسول الله ﷺ یا دیگر معصومان علیهم السلام نمی‌رسد و تنها نقل یکی از علمای متأخر است.

۵-۳. «الصلاة معراج العارفين»

فخر رازی در سطور کتاب پر حجم خود به یکی از جملات هم‌مضمون با جمله «الصلاة معراج المؤمن» نیز اشاره می‌کند؛ ولی این جمله را به پیامبر ﷺ نسبت نمی‌دهد و می‌گوید: «الصلاة معراج العارفين» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۳۳/۱).

صاحب تفسیر المحيط الاعظم والبحر الخضم (د. ۷۸۷ ق.) متن متفاوتی از این جمله را در تفسیرش ارائه می‌دهد که قبلاً در التفسیر الکبیر فخر رازی آمده است و نماز را «معارج العارفين» ذکر می‌کند و برخلاف فخر رازی که جمله را به کسی منتسب نمی‌کند، ولی ایشان این جمله را به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهد، هرچند منبع و سلسله حدیث را ذکر نمی‌کند:

«أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» [البقرة/ ۲۸۶] وَهُوَ الْمُرَادُ... الْمَذْكُورَةُ فِي آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ الَّتِي أُوتِيَهَا مُحَمَّدٌ ﷺ فِي عَالَمِ الرُّوحَانِيَّاتِ عِنْدَ عُبُودِيَّتِهِ... فَوَقَعَ التَّعْبِيرُ عَنْهَا بِسُورَةِ الْفَاتِحَةِ، فَمَنْ قَرَأَهَا فِي صَلَاتِهِ صَعِدَتْ هَذِهِ الْأَنْوَارُ... قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْعَارِفِينَ» (آملی، ۱۴۲۲: ۲۵۰/۶).

به نظر می‌رسد اولین کسی که جمله «الصلاة معراج العارفين» را به پیامبر ﷺ نسبت داده است، صاحب تفسیر المحيط الاعظم و البحر المحصن باشد.

این عضو خانواده نیز نمی‌تواند از اعتبار کافی جهت استناد برخوردار باشد؛ زیرا فخر رازی که برای اولین بار آن را نقل می‌کند، به پیامبر ﷺ نسبت نمی‌دهد و بعد از او، سید حیدر آملی که آن را به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهد، حدیث را بدون سند و منبع نقل می‌کند. «متأخر بودن آملی» و همچنین «عدم کثرت نقل عبارت مورد بحث در منابع فریقین»، از نشانه‌های تزلزل در این عضو خانواده می‌باشد که استناد به آن را سخت می‌گرداند.

از آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که از میان منقولات هم‌مضمون، تنها همان حدیث اول به جهات متعدد قابلیت استناد دارد؛ از جمله: کثرت نقل در منابع فریقین، وجود سندهای متصل، عدم نقل به معنا.

در ادامه، به چگونگی پیدایی و تبدیل شدن یکی از اعضای این خانواده حدیثی، به حدیثی منتسب به رسول اکرم ﷺ اشاره می‌کنیم.

۴. توجه به معراج پیامبر ﷺ و پیدایش جمله «الصلاة معراج المؤمن»

از سوی برخی علما

به نظر می‌رسد از آنجایی که معراج پیامبر خاتم ﷺ در مسجد و در حین نماز انجام شد، این خود زمینه‌ای برای پیدایش جمله «الصلاة معراج المؤمن» گردید. به عنوان مثال، علامه مجلسی بین این دو مفهوم ارتباط برقرار کرده و می‌گوید:

«إِذِ الظَّاهِرُ مِنَ الْخَبَرِ أَنَّهَا وَقَعَتْ فِي مَوْضِعٍ كَانَ مُحَادِثًا لِمَكَّةَ، وَلَمَّا كَانَ الظَّاهِرُ مِنَ الْأَخْبَارِ تَعَدَّدُ الْمِعْرَاجِ، فَيُمْكِنُ حَمْلُ هَذَا الْخَبَرِ عَلَى مِعْرَاجٍ وَقَعَ فِي الْيَوْمِ، وَبِهَذَا الْوَجْهِ يُمَكِّنُ التَّوْفِيقُ بَيْنَ أَكْثَرِ الْأَخْبَارِ الْمُخْتَلِفَةِ الْوَارِدَةِ فِي كَيْفِيَّةِ الْمِعْرَاجِ. ثُمَّ إِنَّهُ يَظْهَرُ مِنْ هَذَا الْخَبَرِ أَنَّ الصَّلَاةَ لَمَّا كَانَتْ مِعْرَاجَ الْمُؤْمِنِ، فَكَمَا أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ نَفَضَ عَنْ ذَيْلِهِ الْأَطْهَرَ غَلَاظِقَ الدُّنْيَا الدَّيْنِيَّةِ، وَتَوَجَّهَ إِلَى عَرْشِ الْقُرْبِ وَالْوَصَالِ، وَمُكَالَمَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ، وَكَلَّمَا حَرَقَ حِجَابًا مِنَ الْحُجُبِ الْجِسْمَانِيَّةِ، كَبَّرَ الرَّبَّ تَعَالَى وَكَشَفَ بِسَبِّبِهِ حِجَابًا مِنَ الْحُجُبِ الْعَقْلَانِيَّةِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى عَرْشِ الْعُظْمَةِ وَالْجَلَالِ وَدَخَلَ مَجْلِسَ الْأُنْسِ وَالْوَصَالِ...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵/۴۷۷).

همچنین همان‌طور که در سطور پیشین گذشت، برخی علما زمان بیان این جمله را در شب معراج دانسته‌اند. صاحب تفسیر *آم‌الکتاب* (د. ۱۴۱۳ ق.) این سخن را از پیامبر صلی الله علیه و آله و در شب معراج می‌داند و می‌گوید:

«استقامت پیدا کند و به سجده دوم موفق شود برای حصول منتها درجه خضوع، و قول خدای تعالی: ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ تا آخر سوره، مناسبت دارد برای نشستن بعد از سجده دوم؛ زیرا که چون بنده، منتها درجه تواضع و فروتنی را در مقابل خدای تعالی به جای آورد، لیاقت اکرام و نشستن در مقابل حق را پیدا می‌کند، در این هنگام می‌خواند آنچه را که پیغمبر صلی الله علیه و آله در معراج خواند: الصلاة معراج المؤمن...» (میرجهانی طباطبایی، ۱۳۹۸: ۳۵۸).

نکته مهمی که در اینجا مورد بحث و سؤال است، اینکه رابطه بین نماز و تقرب به خدا چیست؟ و آیا این نمازی که توسط انسان‌ها خوانده می‌شود، قابلیت به معراج رساندن انسان‌ها را دارد یا خیر؟ و آیا رسیدن به معراج، که به نظر می‌رسد مقامی بس والا است و در تاریخ بشر تنها برخی پیامبران از جمله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آن را تجربه کرده‌اند، به وسیله دیگر انسان‌ها دست‌یافتنی است یا خیر؟

به نظر می‌رسد معراج مقامی بس والا است که در آن، بین بنده و خدایش هیچ حجاب و مانعی وجود ندارد. رسیدن به این مقام تنها با نماز امکان‌پذیر نیست و مطمئناً نیاز به مواردی دیگر از جمله عصمت از گناه و اشتباه دارد؛ در نتیجه می‌توان معراج را ویژه پیامبران و معصومان علیهم السلام و نه عامه مؤمنان دانست. پس جمله «نماز معراج مؤمن» است، خالی از اشکال نیست؛ زیرا به نظر می‌رسد رسیدن به مقام معراج اصولاً مختص یک عده انسان مؤمن خاص، یعنی پیامبران و معصومان علیهم السلام می‌باشد.

با بیانی که گذشت، دقت بیان در حدیث «الصلاة قربان کل تقی» را می‌توان یافت؛ زیرا معصومان علیهم السلام در این حدیث، نماز را به عنوان «قربان» یعنی نزدیک‌کننده به خداوند معرفی می‌کنند نه «معراج مؤمن»، و روشن است که بین «معراج» و «قربان» تفاوت وجود دارد. پس می‌توان نتیجه گرفت که جمله «الصلاة معراج المؤمن» نه تنها حدیث نیست، بلکه از نظر مفهومی نیز دچار اشکالاتی است و حدیث «الصلاة قربان کل تقی» منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بوده و مفهوم درستی نیز دارد.

۵. جایگاه نقل به معنا در پیدایی فرازهایی درباره معراج بودن نماز

یکی از موضوعات مورد بحث در حدیث پژوهی، بحث نقل به معنا می باشد. بسیاری از کسانی که با روایات نبوی سروکار دارند، گمان می کنند که آنچه می نویسند یا می شنوند، درست همان سخنانی است که از دهان حضرت رسول ﷺ بیرون آمده است؛ حال آنکه گمان نادرستی است (ابوزیه، ۱۴۲۸: ۷۶ و ۱۰۸). ابن صلاح می نویسد:

«كثيراً ما كانوا ينقلون معنىً واحداً في أمرٍ واحدٍ باللفاظِ مُحْتَلَفَةٍ، وَمَا ذَلِكَ إِلَّا لِأَنَّ مَعْوَلَهُمْ كَانَ عَلَى الْمَعْنَى دُونَ اللَّفْظِ» (ابن صلاح شهرزوری، ۱۴۱۶: ۱۳۶).

آغاز پیدایی نقل به معنا در تاریخ حدیث را از دوران صحابه دانسته اند (علامه حلی، ۱۴۰۴: ۲۰۸؛ ابوزیه، ۱۴۲۸: ۷۶) و دست کم تا روزگار نگارش حدیث دنبال شده است. شمار اندکی از اهل سنت، نقل به معنا را روا ندانسته و در مقابل، بسیاری به روا بودن آن حکم داده اند (ابوزیه، ۱۴۲۸: ۷۷). دیدگاه شیعه از زبان صاحب معالم (د. ۱۰۱۱ ق.) درباره نقل به معنا چنین است:

«لَمْ نَقِفْ عَلَى مُخَالَفٍ فِي ذَلِكَ مِنَ الْأَصْحَابِ» (ابن شهید ثانی، بی تا: ۲۱۲).

اما هر کسی نمی توانسته و نمی تواند روایت ها را نقل به معنا کند؛ بلکه به گفته غزالی:

«نَقَلَ الْحَدِيثَ بِالْمَعْنَى دُونَ اللَّفْظِ حَرَامٌ عَلَى الْجَاهِلِ بِمَوَاقِعِ الْخِطَابِ وَدَقَائِقِ الْأَلْفَاظِ؛ أَمَّا الْعَالِمُ بِالْفَرْقِ بَيْنَ الْمُحْتَمَلِ وَغَيْرِ الْمُحْتَمَلِ، وَالظَّاهِرِ وَالْأَظْهَرِ، وَالْعَامِّ وَالْأَعَمِّ، فَقَدْ جَوَّزَ لَهُ ذَلِكَ الشَّافِعِيُّ...» (غزالی، ۱۴۱۷: ۱۳۳).

معتقدیم که پدیده نقل به معنا، در روند پیدایش جمله «الصلاة معراج المؤمن» مؤثر بوده است. در بیان سیر تأثیرگذاری این پدیده در این ایجاد، نخست بیان می کنیم که این مفهوم، که نماز قابلیت نزدیک کردن انسان به خدا را دارد، یک مفهوم متقدمی بوده که در میان شیعه و اهل سنت وجود داشته است و حدیث «الصلاة قربان کل تقی» گواه بر این امر است. در ادامه، علمایی که از معراج پیامبر ﷺ بحث می کرده اند، آن حدیث متقدمین را نقل به معنا کرده و کلمه «قربان» را به کلمه «معراج» تبدیل کرده اند. این تبدیل بدان جهت صورت گرفته که کلمه «معراج» برای نماز با معراج پیامبر ﷺ همخوانی بیشتری داشته است. در ادامه سیر نقل به معنا در حدیث متقدمان، برخی مفسران

کلمه «مؤمن» را به «مؤمنین» تبدیل کرده و برخی نیز جمله «الصلاة معراج العارفين» را ساخته و برخی هم جمله فوق را به پیامبر ﷺ نسبت داده‌اند (آملی، ۱۴۲۲: ۶/۲۵۰). همه این احادیث، حول محور «معراج بودن» نماز می‌گردند و در واقع به همان اشاره دارند؛ ولی حدیث متصل در اینجا، حدیث «الصلاة قربان کل تقی» بوده و بقیه جملات، نقل به معنایی از این حدیث است که توسط متأخران انجام پذیرفته است. یکی از نتایج نقل به معنا در حوزه حدیث، به وجود آمدن جملاتی نامفهوم و در مواقعی اشتباه می‌باشد، و این جملات نامفهوم و اشتباه از آنجایی که منسوب به معصوم می‌شوند، نتایج ناگواری به دنبال دارند. تبدیل جمله «الصلاة قربان» به «الصلاة معراج»، نمونه‌ای از یک نقل به معناست که ثمره‌اش به وجود آمدن یک معنای اشتباه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

- ۱- جمله «الصلاة معراج المؤمن» علی‌رغم شهرت، در هیچ‌یک از منابع مقدم شیعه و سنی ذکر نشده است.
- ۲- با تتبع نگارندگان، در میان متأخران، اولین کسی که این جمله را در کتابش ذکر کرده است، صاحب کشف الاسرار بوده که این جمله را به پیامبر ﷺ نسبت داده، ولی سند و منبعی برای آن ذکر نکرده است.
- ۳- مفسران و محدثان غالباً در بیان این جمله، آن را به پیامبر ﷺ یا یکی از ائمه اطهار (ع) نسبت نداده‌اند.
- ۴- این جمله با الفاظی متفاوت در میان محدثان و مفسران به کار رفته است؛ از جمله: «الصلاة معراج المؤمن»، «الصلاة معراج المؤمنین»، «الصلاة معراج العارفين» و «الصلاة معراج». در میان این جملات، جمله «الصلاة معراج المؤمن» از بسامد بیشتری نسبت به بقیه جملات برخوردار است.
- ۵- جمله «الصلاة معراج العارفين» نخستین بار توسط فخر رازی بی‌آنکه به پیامبر ﷺ منتسب شود، به کار رفت؛ ولی بعد از فخر رازی، صاحب تفسیر المحیط الاعظم و البحر الخضم این جمله را بدون ذکر منبع و سلسله سند به پیامبر ﷺ نسبت داده است.
- ۶- برای جمله «الصلاة معراج المؤمن» می‌توان منقولاتی هم مضمون پیدا کرد.

حدیث «الصلاة قربان کل تقی» مهم‌ترین هم‌مضمونی است که می‌توان بیان کرد.

۷- جمله «الصلاة قربان کل تقی» در منابع متقدم شیعه و سنی منسوب به پیامبر ﷺ یا اهل بیت ﷺ ذکر شده و سلسله سند حدیث نیز به صورت متصل بیان گردیده است.

۸- برخلاف جمله «الصلاة معراج المؤمن» که با اضطراب در الفاظ نقل شده است، حدیث «الصلاة قربان کل تقی» از اضطرابی برخوردار نیست و در منابع اهل سنت و شیعه با همین الفاظ به کار رفته و تنها در مواردی کلمه «تقی» حذف شده است.

۹- جمله «الصلاة معراج المؤمن» جمله‌ای است که از لسان علما صادر گردیده و به مرور زمان از آن تلقی به حدیث شده و به پیامبر ﷺ نسبت داده شده است.

۱۰- از آنجایی که معراج پیامبر ﷺ در مسجد و در حال نماز رخ داده است، این خود پیش‌زمینه‌ای برای ساخته شدن جمله «الصلاة معراج المؤمن» بوده است و اکثر محدثان و مفسرانی که این جمله را ذکر کرده‌اند، در زمان شرح معراج پیامبر ﷺ از این جمله نیز یاد کرده‌اند.

۱۱- در مفهوم جمله «الصلاة معراج المؤمن» بحث وجود دارد و به نظر می‌رسد خواندن نماز، قابلیت به معراج رساندن انسان‌های غیر معصوم را به دلیل عظمت و بزرگی امر معراج ندارد؛ بلکه چنان‌که احادیث مسند بیان می‌دارند، نماز وسیله نزدیکی انسان مؤمن به خداوند است.

۱۲- پس می‌توان جمله «الصلاة قربان کل تقی» را به‌عنوانی حدیثی مسند، و جمله «الصلاة معراج المؤمن» را به‌عنوان جمله‌ای از علمای متأخر در وصف نماز پذیرفت، بی‌آنکه آن را به پیامبر ﷺ یا یکی از ائمه ﷺ منسوب کنیم.

۱۳- پدیده نقل به معنا در به وجود آمدن جملاتی با موضوع محوری «معراج بودن نماز» نقش بسزایی داشته است.

۱۴- سیر به وجود آمدن احادیث هم‌خانواده درباره معراج بودن نماز را می‌توان در پنج مرحله ترسیم کرد:

اول: ابتدا حدیث «الصلاة قربان کل تقی» به‌عنوان حدیثی متصل به پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ در کتب حدیثی و تفسیری متقدم شیعه و سنی نقل شده است.

دوم: در قرون متأخر، علمایی که درباره معراج پیامبر ﷺ بحث کرده‌اند، با توجه به

اینکه معراج پیامبر ﷺ در مسجد و در حال نماز بوده است، جمله «الصلاة معراج المؤمن» را ساخته‌اند.

سوم: در مرحله بعد، برخی علما به اشتباه این جمله را به رسول الله ﷺ نسبت داده‌اند.

چهارم: در مرحله بعد، جمله «الصلاة معراج العارفين» از سوی فخر رازی ساخته شد؛ البته بدون اینکه آن را به پیامبر ﷺ یا صحابی نسبت دهد و ادعای حدیث بودن جمله را داشته باشد.

پنجم: در مرحله آخر نیز جمله «الصلاة معراج العارفين» از سوی صاحب تفسیر المحيط الاعظم والبحر الخضم بدون هیچ گونه منبع و سلسله سندی به پیامبر ﷺ نسبت داده شد.



کتاب شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۳. آملی، سیدحیدر بن علی، تفسیر المحيط الاعظم والبحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم، تحقیق سیدمحسن موسوی تبریزی، چاپ سوم، قم، نور علی نور، ۱۴۲۲ ق.
۴. ابن جَبَان بُسْتی، ابوحاتم محمد، الاحسان فی تفریب صحیح ابن جَبَان، تحقیق شعیب ارنؤوط، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۸ ق.
۵. ابن حنبل شیانی، ابو عبدالله احمد بن محمد، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۲۱ ق.
۶. ابن شهید ثانی، ابومنصور جمال الدین حسن بن زین الدین عاملی، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۷. ابن صلاح شهرزوری، ابو عمرو عثمان بن عبدالرحمن، مقدمة ابن الصلاح فی علوم الحديث، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.
۸. ابوری، محمود، اضواء علی السنّة المحمدیة او دفاع عن الحديث، چاپ دوم، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۲۸ ق.
۹. امینی نجفی، عبدالحسین احمد، تفسیر فاتحه الکتاب، تهران، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، ۱۳۹۵ ق.
۱۰. پانی پتی، قاضی محمد ثناء الله عثمانی، التفسیر المظهری، کویت، مکتبه رشیدی، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. جوهری بغدادی، ابوالحسن علی بن جعد بن عبید، مسند ابن الجعد، تحقیق عامر احمد حیدر، بیروت، مؤسسة نادر، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. حائری طهرانی، میرسیدعلی، تفسیر مقتنیات الدرر، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۳۸ ش.
۱۳. حسینی آلوسی بغدادی، شهاب الدین سید محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. حقی بُروسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۵. زارع پور، محسن، «واکاوی سندی و محتوایی "الصلاة معراج المؤمن"»، دو فصلنامه حدیث و اندیشه، سال هجدهم، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش.
۱۶. شیخ علوان، نعمه الله بن محمود نخجوانی، التفسیر الصوفی الکامل للقرآن الکریم المسمی «الفواتح الالهیه و المفاتيح الغیبیه» الموضحة للكلم القرآنیة و الحكم القرآنیة، قاهره، دار رکابی للنشر، ۱۹۹۹ م.
۱۷. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنّة، چاپ دوم، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۱۸. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۱۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۲۰. علامه حلی، ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مبادئ الوصول الى علم الاصول، چاپ سوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، المستصفی فی علم الاصول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۲۲. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۲۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، چاپ دوم، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۲۵. کلاباذی بخاری، ابوبکر محمد بن ابی اسحاق ابراهیم بن یعقوب، *بحر الفوائد المشهور بمعانی الاخبار*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۲۶. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۷. گنابادی (سلطان علی شاه)، سلطان محمد بن حیدر، *متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العباد*، ترجمه محمد رضا خانی و حشمت الله ریاضی، تهران، سر الاسرار، ۱۳۷۲ ش.
۲۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام*، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۹. همو، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد، *الصلاة فی الكتاب و السنه*، قم، دار الحديث، بی تا.
۳۱. مدرسی، سید محمد تقی، *من هدی القرآن*، تهران، دار محیی الحسن علیهم السلام، ۱۴۱۹ ق.
۳۲. مروزی، ابو عبد الله محمد بن نصر، *تعظیم قدر الصلاة*، مدینه منوره، مکتبه الدار، ۱۴۰۶ ق.
۳۳. معرفت، محمد هادی، *التفسیر الاثری الجامع*، قم، التمهید، ۱۳۸۷ ش.
۳۴. منسوب به جعفر بن محمد الصادق علیهم السلام، امام ششم، *مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه در ترکیه نفس و حقایق و معارف الهی*، ترجمه و شرح حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ ش.
۳۵. موسوی خمینی، سید روح الله، *تفسیر سوره حمد*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵ ش.
۳۶. موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، قم، دفتر معظم له، ۱۴۰۹ ق.
۳۷. مبدی، ابوالفضل رشید الدین احمد بن ابی سعد محمد بن احمد، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تحقیق علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۳۸. میرجهانی طباطبایی، سید حسن، *تفسیر آم الكتاب*، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۹۸ ق.
۳۹. نظام الاعرج، نظام الدین حسن بن محمد بن حسین قمی نیشابوری، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقیق زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق.
۴۰. نمازی شاهرودی، علی، *مستدرک سفینه البحار*، بی جا، بی نا، بی تا.
۴۱. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله و دیگران، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه و تکملة منهاج البراعة*، چاپ چهارم، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۰ ق.